



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

دعوت به ضیافت الهی

خطبه شعبانیه در فضیلت و آداب ماه مبارک رمضان

متن کلام حازمان وحی (علیم السلام) در نقل خطبه شعبانیه

عَنِ الرَّضَا 7 عَنْ آبَائِهِ (عليهم السلام) عَنْ عَلِيٍّ 7 قَالَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ 9 حَظَبْنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ :
أَيُّهَا النَّاسُ * إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ * بِالْبُرْكََةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ * شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ
أَفْضَلُ الشُّهُورِ * وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ * وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي * وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ
* هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ * وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كِرَامَةِ اللَّهِ * أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ
تَسْبِيحٌ * وَنَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ * وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ * وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ *
فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ * بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ * أَنْ يُوفِّقَكُمْ لَصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ *

فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ * وَاذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ
جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ * وَتَصَدَّقُوا عَلَى فَقَرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ * وَوَقَرُوا كِبَارَكُمْ *
وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ * وَصَلُوا أَرْحَامَكُمْ * وَاحْفَظُوا أَسْنَتَكُمْ * وَغُضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ
النَّظْرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ * وَعَمَّا لَا يَحِلُّ الإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ * وَتَحَنَّنُوا عَلَى أَيْتَامِ النَّاسِ
يُتَحَنَّنْ عَلَى أَيْتَامِكُمْ * وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ * وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي
أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ * فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ * يُنْظَرُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ
* يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ * وَيُلَبِّيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ * وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ * وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا
دَعَوْهُ * أَيُّهَا النَّاسُ * إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ * فَفَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ * وَظُهُورِكُمْ
ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ * فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطُوبَى سُجُودِكُمْ * وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ * أَنْ لَا
يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَالسَّاجِدِينَ * وَأَنْ لَا يُرَوِّعَهُمُ النَّارُ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ * أَيُّهَا
النَّاسُ * مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ * كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ
* وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ *

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَلَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ! فَقَالَ 9:

اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ * اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ * أَيُّهَا النَّاسُ * مَنْ حَسَنَ
مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ * يَوْمَ تَزُلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ * وَمَنْ
خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ * وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ
كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ * وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ * وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ
رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ * وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ

* وَ مَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ * وَ مَنْ أَدَّى فِيهِ فَرَضًا كَانَ لَهُ ثَوَابُ
 مِنْ أَدَى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ * وَ مَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ ثَقَلَ اللَّهُ
 مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ الْمَوَازِينُ * وَ مَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرٍ مِنْ خَتَمِ الْقُرْآنِ فِي
 غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ * أَيُّهَا النَّاسُ * إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ * فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ
 أَنْ لَا يُغَلِّقَهَا عَلَيْكُمْ * وَ أَبْوَابَ النَّيِّرَانِ مُغَلَّقَةٌ * فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُفَتِّحَهَا عَلَيْكُمْ * وَ
 الشَّيَاطِينَ مَغْلُوبَةٌ * فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ *

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ 7 فَقُمْتُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ 9:

يَا أَبَا الْحَسَنِ * أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ * ثُمَّ بَكَى 9 ...

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ 9: يَا عَلِيُّ * أَبْكِي لِمَا يَسْتَحِلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ

* كَأَنِّي بَكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ * وَ قَدْ أُنْبِئْتُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ (شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقَةِ ثُمُودٍ) *

فَضْرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ * فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ *

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ 7 فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ فَقَالَ 9: فِي سَلَامَةٍ

مِنْ دِينِكَ *

ثُمَّ قَالَ 9: يَا عَلِيُّ * مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي * وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي * وَ مَنْ سَبَّكَ

فَقَدْ سَبَّنِي * لِأَنَّكَ مِنِّي كُنْفَسِي * رُوحُكَ مِنْ رُوحِي * وَ طِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي * إِنَّ اللَّهَ

تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ آيَاكَ * وَ اصْطَفَانِي وَ آيَاكَ * وَ اخْتَارَنِي لِلنُّبُوءَةِ وَ اخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ

* وَ مَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ بُيُوتِي *

ترجمه خطبه شعبان حضرت رسول الله ﷺ ۹

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش (علیهم السلام)، و آنان هم از امیرمؤمنان امام علی علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت (امام علی) چنین فرمود:

یکی از روزهای آخر ماه شعبان و در آستانه ماه رمضان، پیامبر خدا، خطاب به ما، خطبه مهمی خواند که مضمونش چنین است:

- ۱- ای مردم، ماه خدا، همراه برکت و رحمت و آمرزش گناهان به شما روی آورده است.
- ۲- ماهی است که از همه ی ماه ها ارزشمندتر و با فضیلت تر است.
- ۳- روزهایش ارزشمندترین روزهاست.
- ۴- و شبهایش با فضیلت ترین شبهاست.
- ۵- و ساعتهاش از همه ی ساعتها ارزشمندتر و ارجمندتر است.
- ۶- ماهی است که شما به میهمانی خدا دعوت شده اید.
- ۷- و خدا شما را در این ماه از گرامی داشته گان الهی قرار داده است.
- ۸- نَفَس های شما در آن (ماه رمضان) تسبیح است.
- ۹- و خوابتان در آن (ماه رمضان) عبادت است.
- ۱۰- و عمل شما در آن مورد قبول (درگاه خدا) است.
- ۱۱- و دعايتان در این ماه مستجاب است.
- ۱۲- پس با نیت های درست و دل های پاک، بخواهید از پروردگارتان الله؛ تا که شما را (در این ماه) به گرفتن روزه توفیق دهد.
- ۱۳- و نیز به تلاوت قرآن موفق سازد.
- ۱۴- همانا نگویند کسی است که در این ماه عظیم از بخشش و آمرزش الهی محروم شود.
- ۱۵- با گرسنگیتان و تشنگیتان در این ماه، گرسنگی و تشنگی قیامت را یاد کنید.
- ۱۶- و به فقرا و محرومانتان تصدق کنید.
- ۱۷- و بزرگانتان را احترام کنید.
- ۱۸- و به کودکان و افراد کوچکترتان، محبت بورزید.
- ۱۹- و صلّه رحم نمایید.
- ۲۰- زبان خود را (از گفتار ناپسند و زشت) نگهدارید.
- ۲۱- و از آنچه نگاه بر آن روا نیست؛ چشمانتان را بازدارید.

- ۲۲- و از آنچه شنیدنش بر شما حلال نیست، گوشه‌هایتان را بازدارید.
- ۲۳- و به یتیمان مردم مهر و محبت کنید؛ تا بر یتیمان شما مهر بورزند.
- ۲۴- و از گناهاتان به سوي خداوند توبه کنید.
- ۲۵- به هنگام نمازهایتان، دست‌هایتان را به دعا به پیشگاه خدا بلند کنید.
- ۲۶- چه آنکه آن اوقات بهترین ساعتهای دعاست.
- ۲۷- خداوند در آن اوقات با رحمت (مهر و لطف) بر بندگانش می‌نگرد.
- ۲۸- و اگر با او نجوا و رازگویند، جوابشان می‌دهد.
- ۲۹- و اگر او را بخوانند، دعوتشان را اجابت می‌کند.
- ۳۰- و اگر او را بپرسند به آنها عطا می‌کند.
- ۳۱- ای مردم! جانهایتان در گرو اعمال شماست، پس با طلب مغفرتتان از خدا، آزادش کنید.
- ۳۲- و گرده‌هایتان از وزر و وبال گناه و زشتیها سنگینی می‌کند، پس آنها را با سجده‌های طولانی، سبک کنید.
- ۳۳- و بدانید که خداوند به عزت خود قسم یاد کرده است که: نمازگزاران و سجده‌کنندگان را عذاب نکرده و به آتش جهنم نفرساند، آنروزي که همه مردم در پیشگاه پرورگار جهانها مي ايستند.
- ۳۴- ای مردم! هر کسی از شما در این ماه؛ روزه دار مؤمنی را افطار دهد، برای او در نزد خداوند ثواب آزاد کردن بنده ای را بوده، و خداوند از لغزش‌های گذشته اش می‌گذرد.
- ۳۵- یکی عرض کرد: ای رسول خدا، همه ی ما قدرت (افطاري دادن) را نداریم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ولو با پاره ای از خرما، و مقدار نوشیدنی آب، آتش (جهنم) را از خود دور کنید.
- ۳۶- ای مردم! اگر کسی در این ماه اخلاق خودش را نیکو و اصلاح کند، جواز عبور از پل صراط برای او خواهد بود، در روزي که گامها بر صراط مي لغزد.
- ۳۷- و آن کسی که در این ماه بر زیردستان خود آسان گرفته و سخت‌گیری نکند، خداوند حساب (قیامت) را بر او آسان می‌گیرد.
- ۳۸- و کسی در این ماه شرّ خودش را از مردم بازدارد، خداوند در روزي که او را ملاقات مي کند (قیامت)؛ غضب خود را از او باز می‌دارد.
- ۳۹- و کسی که در این ماه یتیمی را گرمی دارد، خداوند در روزي که او را ملاقات مي کند (قیامت)، او را گرمی مي دارد.
- ۴۰- و کسی که در این ماه صله ی رحم خود کند، خداوند در روزي که او را ملاقات مي کند (قیامت)، او را به رحمتش پیوند فرماید.
- ۴۱- و کسی که در این ماه قطع رحم خود کند، خداوند در روزي که او را ملاقات مي کند (قیامت)، رحمتش را از او قطع فرماید.

- ۴۲- و کسی که در این ماه يك نماز مستحبی به قصد اطاعت و بندگی بجا آورد، خداوند برات آزادی از آتش جهنم را برای او صادر می کند.
- ۴۳- و کسی که در این ماه فریضه ای را ادا کند؛ ثواب ادای هفتاد فریضه در ماههای دیگر؛ به او داده می شود.
- ۴۴- و هر کسی که در این ماه؛ بر من فراوان درود فرستد، خداوند کفه ی میزان عمل نيك او را سنگین می کند، در روزي (قیامت) که میزانهای اعمال سبک مي گردد.
- ۴۵- و هر کسی که يك آیه در این ماه از قرآن را تلاوت کند، پاداش يك ختم قرآن در ماههای دیگر را خواهد داشت.
- ۴۶- ای مردم ، دربهای بهشت در این ماه گشوده است، پس از پروردگارتان درخواست کنید که آن را بر روی شما نبندد.
- ۴۷- و دربهای جهنم بسته است، پس از پروردگارتان بخواهید که آن را بر روی شما نگشاید.
- ۴۸- و شیاطین (در این ماه) در غل و زنجیرند، پس از خداوند بخواهید که آنها را بر شما مسلط نکند.
- ۴۹- امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت: پس من از جا برخاستم؛ و عرض کردم : ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کدام عمل در این ماه ارزشمندتر است؟ پس حضرتش فرمود: ای ابالحسن ، ارجمندترین عمل در این ماه (رمضان) آن است که انسان از آن چه خدا حرام کرده است ، دوری جوید. آن گاه حضرتش گریه کرد.....
- ۵۰- عرض کردم : چه چیزی باعث گریه ی شما شد؟ فرمود: ای علی جان، گریه مي کنم برای آنچه در این ماه روا مي دارند از تو! گویا مي بینم تو را که در حالی که برای پروردگارت به نماز ایستاده ای، و شقي ترین پیشینیان (همزاد کشنده ناقه نمود) برخاسته، و ضربه اي تو را مي زند که محاسن (شریف) تو از (خون) آن خضاب می گردد.
- ۵۱- امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، آیا دین من سالم است؟ پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری در سلامت کامل دینی قرار داری.
- ۵۲- سپس حضرتش فرمود: یا علی، هر که تو را بکشد؛ مرا کشته است.
- ۵۳- و هر که تو را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.
- ۵۴- و هر که تو را دشنام دهد؛ مرا دشنام داده است.
- ۵۵- چونکه تو برای من به منزله ی جان من هستی.
- ۵۶- روح تو از روح من است
- ۵۷- و طینت تو از طینت من است.
- ۵۸- همانا خدای تبارک و تعالی ، من و تو را آفرید
- ۵۹- و مرا و تو را برگزید . مرا برای نبوت و پیامبری اختیار کرد، و تو را برای امامت (امت اسلام) اختیار کرد.
- ۶۰- و هر کسی امامت تو را انکار کند، در حقیقت منکر نبوت من شده است.

تلاوت خطبه شعبانیه از مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب

تلاوت خطبه شعبانیه در خطبه نماز جمعه و نیز مجالس کلام خوانی علویان بسی شایسته است.



بدین مناسبت تلاوت این خطبه مبارکه را از صدای مرحوم آیت الله علامه فقیه حکیم عارف زاهد عابد حاج آقا رحیم ارباب (رحمة الله علیه) ارائه می کنیم، که در خطبه نماز جمعه سال ۱۳۸۷ قمری (۴۳ سال قبل) در سن ۹۳ سالگی ایراد نموده اند، فایل صوتی آنرا از آدرس زیر دریافت کنید:

تصویر مرحوم آیت الله ارباب در حال دعا در هنگام خطبه نماز جمعه

<http://www.4shared.com/file/125581362/b190596d/haj--agha-rahime-arbab.html>

برای درک اهمیت و ارزش این تلاوت کلام خازنان وحی؛ شمه ای از احوالات آن عالم جلیل را بطور اشاره ذکر می نمایم:

اشاره ای به احوالات مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب



آیت الله حاج آقا رحیم ارباب

ولادت: مرحوم آیت الله فقیه علامه حاج آقا رحیم ارباب یکی از مفاخر بزرگ و مراجع تقلید سرزمین اصفهان بوده اند. ایشان در سال ۱۲۹۷ هجری قمری در روستای «چرمهین» لنجان اصفهان به دنیا آمد.

خاندان: پدر آقا رحیم، حاج علی پناه، مشهور به ارباب حاج آقا (فرزند عبدالله مشهور به ارباب آقا) فرزند حاج علی پناه فرزند ملا عبدالله شیرانی بود. اجداد آقا رحیم ارباب از اعیان دهاقین و مشاهیر نجبا و بزرگ زادگان قریه چرمهین از قرای معروف روستای لنجان اصفهان و صاحب مال و ثروت بودند و بدین سبب به لقب ارباب خوانده می شود. پدر و عمویش (ارباب حاج حسن) از ستم بختیاری ها گریخته... به شهر آمدند که تظلم کنند؛ اما چه نتیجه که حاکم، خود فاسدتر از آن ها (بختیاری ها) بود و به ناچار برای همیشه در اصفهان و در محله باغ همایون سابق و باغ تختی امروز ساکن شدند و محل سکونت آنها چهار تا خانه تودرتو بود که چهار طرف این خانه ها اتاق وجود داشت، و هشت خانوار که حدود شصت نفر بودند در صلح و صفا و آرامش می زیستند... آقا رحیم در خانواده ای رشد کرد که افرادی باسواد، اهل شعر و ادب و تاریخ بودند. پدر ایشان در شعر، تخلص «لنگر» داشت و سال ها با عمان سامانی و دهقان سامانی و ملا محمد همای و دیگر شعرای معاصرش جلسات شعر داشت.

تحصیلات: آقا رحیم نیز بیشتر اشعار فارسی حافظ و مولانا و شعرای عرب را که حفظ داشت، از دوره کودکی خود و از طریق شنیدن از زبان پدر و عمویش بوده است. بسیاری از خطبه های نهج البلاغه را تا آخر عمر از حفظ داشت و اشعار ابن ابی الحدید را در مناقب امیر المؤمنین علی علیه السلام مکرر می خواند و وی را می ستود. ادبیات فارسی و بخشی از صرف و نحو را در کودکی، نزد ملا محمد همای، در «چرمهین» خواند. وی در اصفهان، بقیه مقدمات و سطوح را نزد حاج میرزا بدیع درب امامی (متوفای ۱۳۱۸ هـ ق)، قوانین اصول را نزد علامه آیت الله آقا سید محمدباقر درچه ای (متوفای ۱۳۴۲ هـ ق) و خارج اصول فقه را نزد آقا سید ابوالقاسم دهکردی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۳ هـ ق) و حاج آقا منیر احمدآبادی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۲ هـ ق) آموخت. وی ۴ سال به فراگیری اسفار نزد حاجی ملا اسماعیل درب کوشکی پرداخت. فلسفه، هیئت و ریاضیات را نزد جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. مراتب سیر و سلوک را نزد این دو بزرگوار فرا گرفت او شاگرد خاص آخوند کاشی بود. و مدت ۲۰ سال متوالی در خدمت وی بود. و انواع علوم را از محضر او آموخت. از دیگر اساتید ایشان: مرحوم علامه حاج ابوالمعالی کلباسی، آیت الله سید محمد تقی مدرس، آقا سید محمود کلیشادی (متوفای ۱۳۲۴ هـ ق). می باشند.

شخصیت علمی: حاج آقا رحیم ارباب، شوق فراوانی نسبت به فراگیری دانش داشت. خودشان در این باره می گفتند: «از اول شب آماده مطالعه کتاب های علمی می شدم و مطالعه طول می کشید تا شام حاضر می شد و لذت مطالعه کتاب، مهلت به صرف شام نمی داد و غذا سر می شد و گاهی مطالعه طول می کشید تا صبح می شد و بعد از تناول غذای شب و ادای فریضه صبح، در مجلس درس حاضر می شدم و با شوق علم آموزی اعتنا به کمبود خواب نداشتم». مرحوم ارباب از حیث تبحر در ادبیات، در زمان خود کم نظیر بودند. تمام اشعار سیوطی را در سن نود و چند سالگی از حفظ داشتند و نیز کتاب شرح منظومه ملا هادی سبزواری را، همین ملاحادی کتابی دارد در فقه به نام «نبراس» که هم نظم است و هم نثر و موضوع آن فلسفه احکام است. وی در فقه بسیار خوش سلیقه و دارای استقلال فکری بود. در ریاضیات، هیئت و نجوم به تصدیق اهل فن، استاد مسلم بود. احترام به استادان ارادت و عشق آقا رحیم به استادانش، به خصوص جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی به حدی بود که نظیرش در کم تر کسی دیده شده است. وی در خدمت آن دو بزرگوار می ایستاد تا بگویند: آقا رحیم، بنشین! آن وقت با ادب در حضور آنان می نشست. نکته مهمی که در زندگی ایشان قابل توجه است و به عنوان اسوه پذیری از آیت الله ارباب می توان نام برد، این است که در مورد خدمت به استادش، جهانگیرخان این گونه بود که کلیه وسایل زندگی و خوراک ایشان را تهیه و غذای ایشان را آماده می کرد و حتی لباس های ایشان را با نهایت احتیاطی که طبیعت او بود، می شست؛ آن گاه اگر اجازه می داد از خدمتش مرخص می شد. تدریس او شرح لمعه تدریس می کرد. درس شرح لمعه ایشان آن قدر تطبیقی بود و شرح و بسط داشت که مطالب را استدلالی برای شاگردانشان می گفتند. آن کسانی که می رفتند درس ایشان و آن را یادداشت می کردند، از شرح لمعه آیت الله ارباب بیشتر از درس خارج دیگران استفاده می کردند؛ به طوری که کسی شش یا هفت سال به درس خارج حاج آقا رحیم ارباب می رفت، ادعای اجتهادش مقرون به دلیل می شد. چون در هر بحث فقهی، ایشان روایاتش را از بحار الانوار و یا کتب مشهور روایی که مستند فقه است، نقل می نمودند و یا نظر استادان فقه را با دلایل آن می گفتند. کتاب وسایل الشیعه از کتاب های جامع اخبار فقهی است. کانه ایشان آن روایات را حاضر الذهن داشتند و اقوال مختلف فقها را نقل می کردند، با شرح لمعه تمام اقوال را با شواهد روایی و شواهد آیات قرآن کریم، تفسیر، لغت، رجال، درایه آن کاملا بررسی می کردند. مصداق آن چه که به آن می گویند حاج آقا رحیم ارباب، ابتدا در مسجد حکیم و سپس در مسجد «کرک پراق» درس خارج تدریس می کردند. وی «فقه را از روی جواهر می گفتند و جواهر هم



جلوی ایشان بود. در خارج فقه استنباطشان از روی جواهر آشیخ محمد حسین نجفی بود. فقه را از جواهر می گفتند و اصول را هم از فرآند.» او پس از آن که بیماری اش شدت یافت، در منزل تدریس می کردند. وی به تدریس، بیش تر از هر چیز دیگر اهمیت می دادند، در طول پنجاه سال کمتر مسافرت رفتند، ایشان درس را تعطیل نمی کردند و در احیای حوزه و تربیت شاگردانی که هر کدام از علمای این شهر (اصفهان) هستند، نهایت جدیت و کوشش را می نمودند. آیت الله ارباب در سال ۱۳۳۰ جواهر و شرح تجرید علامه را در مسجد حکیم تدریس می کردند. وی معتقد بود تنها تدریس کافی نیست، علما و مجتهدین بر اریکه منبر بنشینند و به بیان مسائل شرعی و اخلاقیات برای مردم بپردازند. یکی از شاگردان وی می گوید: در زمینه فلسفه، در حد اعلی بودند و به «حکیم» شهرت داشتند. آیت الله ارباب آخرین فروغ های فلسفه در اصفهان بودند. وی مدت ها درس فلسفه می گفتند، لکن بعداً تبدیل کردند به کلام. مانند «شرح تجرید» و هنگامی که به ایشان پیشنهاد می شود که شرح منظومه تدریس کنند، قبول نمی کنند و می فرماید: حاضر شرایع الاسلام (فقه) بگویم. حکمت ایشان «متمایل به حکمت ملاصدرا بود؛ به مطالب صدر المتألهین خیلی اهمیت می دادند. هر وقت حرف از حکمت بود، معمولاً سخنان ملاصدرا یا محی الدین عربی اندلسی را مطرح می فرمودند، زیرا اینها استوانه های علمی ایشان بودند در حکمت و عرفان. مرحوم ارباب، از نظر علمی فوق العاده بود. مرحوم ارباب رفته بودند تهران برای معالجه. آقایان از علمای تهران، همراه پسرش به عبادت آن مرحوم می روند. همان جا، مشکل فلسفی را که سال ها دنبال حل آن بوده؛ ولی موفق به حل آن نشده بود، از مرحوم ارباب سؤال می

کند. ایشان با همان حال مرضی و با آن کهولت سن، پاسخ وی را می دهد و سپس اشعاری را از منظومه، از حفظ می خواند. آن آقا به پسرش می گوید: این چنین باید درس خواند که هنوز اشعار منظومه از یادش نرفته است و مشکل مرا هم به آسانی حل کرد. حاج آقا رحیم ارباب رساله ای در علم هیئت نوشته بودند. عمده آثار ایشان، حاشیه نویسی بر کتب مختلف علمی - فلسفی بود - به طوری که مطالب خود را در سطوری یادداشت و نظر خودشان را در حاشیه می نوشتند. ایشان در این زمینه همانند مرحوم ابوالحسن شعرانی بودند که بر آثار دیگران حاشیه می زدند. آیت الله ارباب همراه آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی، در تصحیح «تبیان» سعی فراوانی نمود. «مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی در جلسات متعددی که در هر هفته با حاج آقا رحیم داشتند؛ آن دو با هم گفت و گو می کردند و بقیه سراپا گوش بودند، خوب به یاد دارم که مدت های مدید، به هنگامی که مشغول تصحیح تبیان بودند، از بعداز ظهر تا غروب، دو نفری مشغول بودند و گاهی سید دیگری نیز بود که متأسفانه ایشان را به یاد نمی آورم. به هر حال، تبیان را صفحه به صفحه تصحیح کرده و به پیش می رفتند؛ تا پایان پذیرفت. این تفسیر شامل ۷۶ جزء بود که در کتابخانه مرحوم آقا محسن اراکی بوده است که به دستور حاج میرزا علی آقا شیرازی از آن جا توسط استاد حسین عمادزاده به اصفهان - برای تصحیح و مقابله - برده می شود. از دیگر آثار این عالم فرهیخته، تعلیقات ریاضی در حواشی کتاب «منهاج معادن التجنیس» است که در نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ملا محمد علی معلم حبیب آبادی (نویسنده مکارم الآثار) می گوید: «من هیئت را خدمت آیت الله ارباب می خواندم و مثل این که ایشان در کرات سیر کرده بودند، با وجود نداشتن ابزار و وسایل در آن زمان، چنان برای ما علم هیئت را ترسیم می نمودند که گویا می دیدیم و برای ما عینیت پیدا می کرد». علامه جلال الدین همایی. هر وقت به اصفهان می آمد، فوراً به خدمت آقای ارباب می شتافت و ایشان نیز به وی علاقه داشتند. آقا همایی «فقه» آیت الله ارباب را تماماً می دانست. آقای همایی در این خصوص نوشته است: «این بنده حقیر افتخار دارد که سالیان دراز با ارادت صادق در خدمت ایشان آمد و رفت داشتم و مدت مدید از درس فقه، کلام، هیئت و نجوم از محضر مبارکشان بهره مند شده ام. آنچه درباره ایشان می نویسم مبتنی بر درایت است، نه روایت؛ از قبیل مشاهدات و امور یقینی است نه مسموعات و قضایای حدسی و تخمینی. آیت الله شیخ احمد فیاض می گوید: «مرحوم مطهری پیش حاج میرزا علی شیرازی و مرحوم ارباب (که در جنبه های حکمت و ریاضی و... قوی بودند و جامع) رفت و آمد می کردند و از ایشان استفاده ها می بردند، مرحوم ارباب به ایشان احترام می گذاشتند». شهید مطهری درباره حاج آقا رحیم ارباب گفت: «خدا حفظ کند آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را، ایشان از علمای طراز اول ما در فقه و اصول و فلسفه و ادبیات عرب و قسمتی از ریاضیات قدیم می باشند؛ و شاگرد حکیم معروف مرحوم جهانگیر خان قشقایی بوده اند و مثل مرحوم جهانگیر خان هنوز هم کلاه پوستی به سر می گذارند».

شاگردان: حوزه درس آیت الله ارباب مجمع فضلا و دانشمندان روزگار بود. شاگردان بسیاری را تربیت نمود. از جمله شاگردان او می توان به: آیت الله آقای سید محمدرضا خراسانی، آیت الله شیخ احمد فیاض، استاد جلال الدین همایی، علامه آقای محمد علی معلم حبیب آبادی، آقای میرزا علی آقا هسته ای، حاج میرزا یحیی هدایت قمشه ای (بدرخانم مرحوم آیت الله نجابت) آقای کلباسی، سید مصطفی بهشتی نژاد، ملا هاشم جنتی، آیت الله شیخ محمد باقر صدیقین، آیت الله شهید دکتر بهشتی آیت الله شهید مرتضی مطهری، آیت الله شیخ مرتضی اردکانی، آیت الله شهید محمد مفتاح، حاج ملا رمضان املائی، آقای حسین علی راشد (سخنران معروف)، آیت الله آقای سید محمد مبارکه ای، آیت الله سید محمد حسینی قهدریجانی، آیت الله سید حسین مدرس هاشمی، آقای مهدی امام (امام جمعه شهرضا)، آخوند نوری (اهل رهنان)، آقای میرزا امام دهکردی، آقای مصطفی امام دهکردی، و بسیاری از بزرگان دیگر اشاره نمود.

شخصیت اخلاقی و معنوی: در خصوص ویژگی های اخلاقی حاج آقا رحیم ارباب باید گفت که وی مردی بود که حذب معنوی اش، کوچک و بزرگ را به تکریم و تعظیم وامی داشت و سخنان کوتاه و پرلطفش هر کسی را به قبول و اطاعت ترغیب می کرد. همیشه با طمأنینه راه می رفت و چشم به سوی زمین داشت. ابتدا، از طریق صدا دیگران را می شناخت و بعد آنها را می دید. به اندک غذایی قانع بود، غذای اصلی او را لبنیات تشکیل می داد. اگر به مهمانی می رفت ساده ترین غذا را می خورد. عادت او، خوردن چند استکان چای بود. هرگز با هیچ کس، بچه و بزرگ، با لحن تند و خشن سخن نمی گفت و همه را با لفظ آقا یا خانم صدا می زد. او با بچه هایی که شلوغ می کردند، درشتی نمی کرد و با مهربانی برخورد می نمود. هر کس به ملاقات او می رفت، تا آن جا که توان داشت در تکریم و تعظیم او می کوشید و در مقابل او به پا می خاست. کمتر کسی دیده شده است که هنگام سخن گفتن از استادان خود و بزرگان گذشته و حال، تا آن حد احترام آمیز سخن گوید. وقتی از جهانگیر خان و آخوند کاشی حرفی به میان می آورد، درست مثل آن بود که هنوز در برابر آنان ایستاده است. آنها را عاشقانه می ستود. يك بار مرد ناپخته ای به ایشان گفت: حاج آقا! شنیده ام که مرحوم آخوند کاشی گاهی عصبانی که می شدند الفاظ تند و درشت بر زبان می آوردند. در پاسخ گفتند: از این بابت چیزی نمی دانم؛ ولی شما آیا از بزرگی مقام و علم آخوند چیزی شنیده ای؟ گفت: چرا. گفتند: پس از آنها حرف بزنید.

از رفتار آموزنده ایشان:

تواضع: ایشان برای لباس روحانیت ارزش خاصی قائل بودند. با همه منزلت علمی و دینی ولی از سر تواضع و فروتنی تا پایان عمر به پیروی از استاد خود جهانگیرخان از پوشیدن کسوت روحانیت ابا داشتند، و خود را شایسته این مقام نمی دانستند. و حال آنکه اگر کسی با ایشان محشور بود، لیاقت ایشان را از همه بیشتر می دید. ایشان تنها در اوقات نماز به جهت عمل به سنت شرع؛ عمامه با تحت الحنك می پوشیدند.

جلسه بدون ذکر خدا حسرت است: ماه رضایی بود برای افطار یک جایی دعوت داشتند در آن مجلس شروع کردند به خواندن حدیث و بنا کردند پیرامون آن صحبت کردن و در حدیث هم هست چنانکه جلسه ای بدون ذکر خدا ختم شود آن مجلس حسرت است در قیامت، بله ایشان می خواستند به این حدیث عمل کنند تا جلسه بدون ذکر خدا نباشد و در حدیث دیگری هم دارد که مقصود از ذکر خدا، بیان فضائل ما خانواده است و احکام و احوال آنها و آیه الله ارباب به این مطلب می پرداختند. حتی در بیان مطالب از نظر لفظی نیز مقید بودند که کلمات فارسی یا عربی درست و صحیح تلفظ و صحیح ادا شود.

ولایت: ولایت ایشان عجیب بود بخصوص عشق و علاقه به حضرت امیر المومنین علیه السلام و صدیقه طاهره سلام الله علیها کم نظیر و یا بی نظیر بود. اعتقاد و علاقه آیت الله ارباب نسبت به امیر المومنین علیه السلام به حدی بود که این عشق و ارادت با گوشت و خون او آمیخته شده بود. و بسیاری مواقع احادیثی را از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که در فضائل امیر المومنین علیه السلام فرموده بودند می خواندند. ایشان آنقدر علاقه به حضرت صدیقه طاهره زهرا سلام الله علیها داشتند که همیشه در نمازهایشان سوره کوثر را قرائت می فرمودند. و می گفتند من نمی توانم این سوره را در نماز نخوانم. چون این سوره متعلق به وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها است. برای سادات احترام زیادی قایل بودند به هیچ عنوان جلوی آنها حرکت نمی کردند حتی اگر شاگرد ایشان بودند

روا شدن حاجت: اگر شخصی برای حاجت مهمی به ایشان مراجعه می کرد می فرمودند: بروید تسبیحات حضرت صدیقه طاهره (س) را بخوانید یعنی سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه الحمدالله و سی و سه مرتبه سبحان الله و خودشان نیز همین طور عمل می کردند.

نماز: نمازشان هم همین طور بود. نماز صبح ایشان در ماه رمضان، واقعاً عجیب بود. دعاهای ایشان در تکبیرات افتتاحیه مدتی طول می کشید. اگر گوش دلی باز می شد، مثل این که در و دیوار با ایشان همخوانی می کردند؛ "یا محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء انت المحسن و انا المسیء" انگار همه ذرات با ایشان ذکر می گفتند. حتی یک روز کسی درباره نماز طولانی به ایشان گفت: "آقا مگر نه این است که باید "ضعف مأمومین" را رعایت کنید؟" و آقا این طور پاسخ فرمودند که: "ضعف از من چه کسی؟! من خودم ضعیف تر از همه هستم." به هر حال دیدنی بود. وصف او دیدنی بود، نه شنیدنی. (نقل دکتر محمد باقر کتابی)

رعایت همسایه: سالی بود که در اصفهان بارندگی بسیار شد و خانه های بسیاری خراب و یا در شرف خراب شدن بود. آقا همسایه ای داشتند که آنقدر هم مذهبی نبود و چند بچه داشت، آقا به عیالشان فرموده بودند بروید در خانه همسایه و ببینید در چه وضعی هستند، همسرشان آمده و دیده بود که زن و بچه همسایه گریه می کنند و اتاق آنها مشرف به خراب شدن بود و موضوع را برای آقا نقل کرده بود آیه الله ارباب فوراً آنها را به منزل خود برده بودند نکته ای که جالب توجه است اینکه آقا یک اتاق و پس اتاق بیشتر نداشتند و فرموده بودند شما در اتاق زندگی کنید، من و همسر من در پس اتاق. پس از قطع بارندگی و مرمت خانه، همسایه قصد رفتن به منزل خود را نمود در آن حال آقا فرموده بودند من باید بینم اتاق قابل زندگی هست یا نه و بعد از آن بروید، پس از تحقیق دیده بودند که منزل او قابل سکونت است سپس فرموده بودند حالا مختارید می خواهید بمانید یا بروید اختیار با شماست، نظایر این طور رفتار و صفات فراوان داشتند که ما به همه آنها واقف نیستیم.

نماز فارسی! در دوره طاغوت (پهلوی) به مأموریت اجانب و کفار؛ و به تقلید از آتاتورک؛ و به اسم حفظ زبان فارسی و تقویت روحیه ملی ایرانی؛ جو شدیدی درست کرده بودند علیه زبان عربی و با همه خودباختگی غربی و کاربرد الفاظ اجنبی؛ هر جا کلمه ای که با ریشه عربی در زبان فارسی بود را در مقام عوض کردن بودند، کم کم بحث اذان و نماز فارسی هم مطرح شد، آقای دکتر محمد جواد شریعت خاطره ای در این زمینه را نقل می کند: سال یک هزار و سیصد و سی و دو شمسی بود، من و عده ای از جوانان پر شور آن روزگار! پس از تبادل نظر و بحث و مشاجره، به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم! خانواده هایمان کم کم از این موضوع آگاهی یافتند و به فکر چاره افتادند. آنها، پس از تبادل نظر با یکدیگر، تصمیم گرفتند با نصیحت، ما را از این کار باز دارند و اگر مؤثر نیفتاد، راهی دیگر برگزینند. چون پند دادن آنها مؤثر نیفتاد؛ ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می خوانیم، به شیوه ای اهانت آمیز، نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ تر ساخت! عاقبت یکی از پدران، افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. آنها نزد حاج آقا ارباب شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند. او دستور داد در وقتی معین ما را خدمتش رهنمون شوند. در روز موعود ما را که تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند. در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت، آن بزرگ مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه رو هستیم. آقا در آغاز دستور پذیرایی از همه ما را صادر فرمود. سپس به والدین ما فرمود: شما که به فارسی نماز نمی خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندان تنها بگذارید. وقتی آنها رفتند، به ما فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته ای درس می خوانید.

آنگاه، به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن‌ها از توان ما بیرون بود. هر کس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش رو به رو می‌شد. پس از آن که همه ما را خلع سلاح کرد، فرمودند: والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید، آن‌ها نمی‌دانند من کسانی را می‌شناسم که - نعوذبالله - اصلاً نماز نمی‌خوانند! شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم! اکنون شما به خواسته دوران جوانی ام جامه عمل پوشانیده‌اید! آفرین به همت شما! در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده‌اید! اکنون یکی از شما که از دیگران مسلطتر است، بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم را چگونه ترجمه کرده‌است؟ یکی از ما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: خوب شد طرف مباحثه ما يك نفر است؛ زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی‌آمدم! بعد به آن جوان فرمود: خوب بفرمایید بسم الله را چگونه ترجمه کردید؟ آن جوان گفت: طبق عادت جاری: به نام خداوند بخشنده مهربان. حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: گمان نکنم ترجمه درست بسم الله چنین باشد. در مورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خدا است و اسم خاص را نمی‌توان ترجمه کرد؛ مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی‌توان به آن گفت «زیبا». ترجمه «حسن» زیبا است؛ اما اگر به آقای حسن بگویم آقای زیبا، خوشش نمی‌آید. کلمه الله اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می‌کنند. نمی‌توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد!! خوب «رحمان» را چگونه ترجمه کرده‌اید؟ رفیق ما پاسخ داد: بخشنده. حضرت ارباب فرمود: این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست؛ زیرا «رحمن» یکی از صفات خدا است که شمول رحمت و بخشنندگی او را می‌رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست؛ «رحمن» یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می‌کند و همه را در کف لطف و بخشنندگی خود قرار می‌دهد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن عطا می‌فرماید. در هر حال، ترجمه بخشنده برای «رحمن» در حد کمال ترجمه نیست!! خوب، رحیم را چطور ترجمه کرده‌اید؟ رفیق ما جواب داد: «مهربان». حضرت آیت الله ارباب فرمود: اگر مقصودتان از رحیم من بودم - چون نام وی رحیم بود - بدم نمی‌آمد «مهربان» ترجمه کنید! اما چون رحیم کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه کرده بودید، راهی به دهی می‌برد؛ زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می‌کند. پس آنچه در ترجمه «بسم الله» آورده‌اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد! من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم؛ اما به همین مشکلات برخورد می‌شود! تازه این فقط آیه اول سوره حمد بود، اگر به دیگر آیات بپردازیم، موضوع خیلی پیچیده تر می‌شود! اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن به فارسی برندارید؛ زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طور کلی بهتر است!! در این‌جا، همگی شرمند و منفعل و شکست خورده از وی عذرخواهی کردیم و قول دادیم، ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: من نگفتم به عربی نماز بخوانید، هر طور دلتان می‌خواهد بخوانید!! من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم!! ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. حضرت آیت الله ارباب، با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش را بوسیدیم و در حالی که ما را بدرقه می‌کرد، خدا حافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خود دست برداشتیم. بنده از آن به بعد گاه به حضور آن جناب می‌رسیدم و از خرمن علم و فضیلت وی خوشه‌ها بر می‌چیدم. وقتی در دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بودم، گاه نامه‌ها و پیغام‌های استاد فقید مرحوم بدیع الزمان فروزانفر را برای وی می‌بردم و پاسخ‌های کتبی و شفاهی حضرت آیت الله را به آن استاد فقید می‌رساندم. و این افتخاری برای بنده بود. گاه ورقه‌های استفتایی که به محضر آن حضرت رسیده بود، روی هم انباشته می‌شد. آن جناب دستور می‌داد آن‌ها را بخوانم و پاسخ را طبق نظر وی بنویسم. پس از خواندن پاسخ، اگر اشتباهی نداشت، آن را مهر می‌کرد. در این مرحله با بزرگواریهای بسیار آن حضرت رو به رو بودم که اکنون مجال بیان آن‌ها نیست. خدایش بیامرزد و در دریای رحمت خویش غرقه سازد؛ «انه کریم رحیم»

بینش سیاسی: آیت الله ارباب از مسائل سیاسی زمان خود نیز غافل نبود. و در زمان استقلال الجزایر فتوایی جهت کمک به مسلمانان و ملت الجزایر صادر کرده بودند.

رحلت: آیت الله ارباب نزدیک به يك قرن زیست. این حکیم فرزانه در خصوص راز طولانی بودن عمر خود گفته است: «من هیچ وقت بدخواه کسی نبودم». حاج آقا رحیم ارباب ۳ سال آخر عمر خود را به علت کوتاهی یک پرستار پس از عمل جراحی چشمانش، نابینا شد. ایشان در ۱۸ ذی الحجه ۱۳۹۶ هجری قمری در روز عید غدیر برابر با نوزدهم آذر ماه ۱۳۵۵ خورشیدی، دار فانی را وداع گفتند. شاگردش علامه همایی در تاریخ فوتش سرود: «جان علم از تن جهان رفته» که به حساب ابجد می‌شود: ۱۳۹۶. بدن مطهرش را در تخت فولاد اصفهان، حوالی تکیه ملک به خاک سپردند. قبر ایشان در فعلا در میان قبور شهداء واقع شده است.



والحمد لله رب العالمین